

۱۲ - اینك جنگ انقلابی ملی چین بر ضد ژاپن بحران وخیمی میگذراند . این بحران ممکن است طول بکشد و غلبه نسبتاً سریع بر آن نیز ممکن است . عوامل تعیین کننده آن در داخل چین عبارتند از همکاری بین دو حزب - گومیندان و حزب کمونیست و تغییر سیاست گومیندان بر اساس این همکاری ، قدرت توده‌های کارگر و دهقان ؛ و در خارج از چین عبارتست از کمک اتحاد شوروی .

۱۳ - نوسازی سیاسی و تشکیلاتی گومیندان هم ضروری است و هم ممکن است (۲) . علل عمده آن عبارت است از : فشار از طرف ژاپن ، سیاست حزب کمونیست چین مبنی بر جبهه متحد ، خواستار خلق چین ، رشد نیروهای نو ظهور در درون گومیندان . وظیفه ماست که گومیندان را بر سر این نوسازی که مبنای نوسازی دولت و ارتش خواهد بود ، بیاوریم . شك نیست که این نوسازی محتاج موافقت کمیته اجرائی مرکزی گومیندان است و ما فقط در موضع پیشنهاددهنده هستیم .

۱۴ - باید به نوسازی دولت دست زد . ما سیاست دعوت مجلس ملی موقت را که وجود آن نیز ضروری و ممکن است ، مطرح کرده‌ایم . این نوسازی نیز بدون شك محتاج موافقت گومیندان است .

۱۵ - وظیفه نوسازی ارتش عبارتست از تأسیس ارتش جدید و نوسازی ارتش قدیم . هرگاه در عرض شش ماه تا يك سال ارتشی مرکب از دویست و پنجاه هزار تا سیصد هزار نفر با روحیه سیاسی نوین بوجود آید ، وضع میدان‌های نبرد در جنگ مقاومت ضد ژاپنی مسلماً رو به تغییر خواهد رفت . این ارتش جدید در کلیه ارتشهای قدیم تأثیر خواهد گذاشت و آنها را در گرد خویش متحد خواهد ساخت . اینست پایه نظامی برای گذار به تعرض متقابل استراتژیک در جنگ مقاومت ضد ژاپنی . این نوسازی نیز محتاج

موافقت گومیندان است . ارتش هشتم باید در جریان این نوسازی نقش خود را بمثابة سرمشقی بازی کند . و خود ارتش هشتم باید توسعه یابد .

۴ - باید با تسلیم طلبی هم در درون حزب و هم در سراسر کشور مبارزه کرد

در درون حزب ، با تسلیم طلبی طبقاتی مبارزه کنیم

۱۶ - در ۱۹۲۷ تسلیم طلبی چن دو سیو انقلاب آنموقع را بشکست کشانید . هیچیک از اعضاء حزب کمونیست نباید این درس تاریخی را که بقیعت خون ما تمام شد ، فراموش کند .

۱۷ - پیش از حادثه لوگو چیائو خطر عمده در درون حزب در مورد مشی حزب در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عبارت بود از اپورتونیسم " چپ " یعنی سیاست " درهای بسته " . علت عمده اش آن بود که گومیندان هنوز در برابر ژاپن مقاومت نکرد .

۱۸ - از حادثه لوگو چیائو بعد خطر عمده در درون حزب دیگر سیاست درهای بسته " چپ " نیست ، بلکه اپورتونیسم راست یعنی تسلیم طلبی است . و علت عمده اش اینست که گومیندان به مقاومت در برابر ژاپن دست زده است .

۱۹ - از همان ماه آوریل در جلسه فعالین حزب در پین ان و سپس در ماه مه در کنفرانس کشوری حزب و بویژه در ماه اوت در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی (جلسه لوه چوان) ما مشوال زیرین را مطرح ساختیم : در درون جبهه متحد آیا پرولتاریا بورژوازی را رهبری خواهد کرد ، یا بورژوازی پرولتاریا را ؟ آیا گومیندان حزب کمونیست را بسوی خود جلب

خواهد کرد ، یا حزب کمونیست گومیندان را ؟ با در نظر داشت وظیفه سیاسی مشخص کنونی ، سؤال مذکور اینطور مطرح میشود : آیا باید گومیندان را تا سطح برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن و تا سطح مقاومت همگانی که حزب کمونیست آنرا توصیه میکند ، ارتقا بخشید و یا باید حزب کمونیست را تا سطح دیکتاتوری مالکان ارضی و بورژوازی و مقاومت قسمی که بوسیله گومیندان اعمال میشود ، تنزل داد ؟

۲۰ - چرا باید این مسئله را با کمال حذت مطرح ساخت ؟ بدلائل

زیرین :

از یکطرف : سازشکاری بورژوازی چین ، برتری مادی گومیندان ، افتراء و تهمت به حزب کمونیست و همچنین جار و جنجال بر سر " قطع مبارزه طبقاتی " که در اعلامیه و قطعنامه‌های سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان دیده میشود ، امید فراوان گومیندان و تبلیغات پردامنه‌اش در مورد " تسلیم حزب کمونیست " ، تلاش چانکاپشک برای احراز نظارت بر حزب کمونیست ، سیاست گومیندان مبنی بر تعدید و تضعیف ارتش سرخ ، سیاست گومیندان مبنی بر تعدید و تضعیف مناطق پایگاهی دموکراتیک ضد ژاپنی ، نقشه شومی که در ژوئیه در دوره تعلیماتی گومیندان در لوشان (۳) طراحی شد تا آنکه " از نیروهای حزب کمونیست در جنگ مقاومت باندازه دو پنجم کاسته شود " ، تلاش گومیندان در این راه که کادرهای حزب کمونیست را با اهداء جاه و مال ، نعمت و رفاه بخود جلب کند ، تسلیم طلبی سیاسی برخی از عناصر رادیکال خرده بورژوا (که نمایندگانش آنها جان نای چپی است (۴)) و غیره .

از طرف دیگر : نابرابری سطح تئوریک در درون حزب کمونیست ،

این واقعیت که بسیاری از آنها فاقد تجربه‌ای میباشند که از همکاری دو حزب در همگام لشگرکشی بشمال بدست آمده است ، وجود عده کثیری عناصر خرده بورژوا در ترکیب حزب ، عدم تمایل برخی از اعضاء حزب به ادامه زندگی مبارزه دشوار ، وجود گرایش در درون جبهه متحد مبنی بر سازشکاری غیراصولی با گومیندان ، ظهور گرایش میلیتاریستی جدید در ارتش هشتم ، پیدایش مسئله شرکت حزب کمونیست در دولت گومیندان ، پیدایش گرایش سازشکاری در مناطق پایگاهی دموکراتیک ضد ژاپنی و غیره. با در نظر داشت اوضاع وخیم که از دو جنبه فوق‌الذکر مورد تشریح قرار گرفت ، باید این سؤال را که رهبری با کی خواهد بود با کمال حدت مطرح ساخت و باید با تسلیم طلبی مصممانه مبارزه کرد .

۲۱ - در طی ماههای اخیر و بویژه پس از آغاز جنگ مقاومت کمیته مرکزی حزب کمونیست و سازمانهای حزبی در مدارج مختلف با گرایشهای تسلیم طلبانه موجود بمبارزه صریح و قاطع برخاستند و باتخاذ تدابیر ضروری بمنظور جلوگیری از تظاهر احتمالی آنها در آینده دست زدند ، و نتایج نیکوئی ببار آمد .

کمیته مرکزی طرح قطعنامه‌ای (۵) درباره مسئله شرکت در حکومت صادر کرده است .

در درون ارتش هشتم مبارزه با گرایش میلیتاریستی جدید آغاز شده است . این گرایش از موقعیکه ارتش سرخ تجدید سازمان یافت ، در نزد عده قلیلی بصورت امتناع از اطاعت اکید از رهبری حزب کمونیست ، رشد قهرمان‌بازی اندیویدوالیستی ، غرور ناشی از انتصابات گومیندان (یعنی مقامات رسمی) وغیره ظهور کرد . این گرایش میلیتاریستی جدید با گرایش میلیتاریستی قدیم که بصورت تنبیهات بدنی ، دشنام ، نقض انضباط و غیره

تظاهر میکرد ، دارای ریشه واحدی است (تنزل حزب کمونیست تا سطح گومیندان) و به نتیجه واحدی منجر میشود (جدائی از توده‌ها) ، ولی از آنجا که این گرایش جدید در دوران جبهه متحد دو حزب - گومیندان و حزب کمونیست بظهور رسید ، خطرات بویژه عظیمی ببار میآورد ، و از اینجهت شایان توجه خاصی است و باید با عزم جزم بمبارزه با آن برخاست . ما سیستم کمیسرهای سیاسی را که در اثر مداخله گومیندان برافتاده بود ، مجدداً برقرار ساختیم و نیز نام " اداره سیاسی " را که بهمین علت به " شعبه آموزش سیاسی " تبدیل شده بود ، احیاء کردیم . ما اصل استراتژیک جدید " جنگ پارتیزانی مستقلانه و مبتکرانه در مناطق کوهستانی " را تنظیم کردیم و مصممانه بعمل در آوردیم و این امر اساساً پیروزی ارتش هشتم را در عملیات نظامی و سایر وظایف تضمین نموده است . ما تقاضای گومیندان را برای اعزام اعضاء خود به ارتش هشتم بعنوان کادر رد کردیم و روی اصل رهبری مطلق حزب کمونیست در ارتش هشتم پافشاری نمودیم . همچنین ما در مناطق پایگاهی انقلابی ضد ژاپنی اصل " استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد " را مطرح ساختیم . ما بر گرایش به " پارلمانتاریسم " (البته سخن بر سر پارلمانتاریسم انترناسیونال دوم نیست که در حزب کمونیست چین وجود ندارد) (۶) ، فائق آمدیم و پیوسته به مبارزه با راهزنان ، جاسوسان و خرابکاران ادامه میدهیم .

در سی ان ، گرایش غیر اصولی (گرایش سازشکاری) را که در مناسبات بین دو حزب بوجود آمده بود ، اصلاح کردیم و دوباره مبارزه توده‌ای را گسترش دادیم .

در مشرق گان سو ، اوضاع در خطوط کلی مانند سی ان است . در شانگهای نظریه جان نای چی را مبنی بر " تهییج کمتر و پیشنهاد

بیشتر "مورد انتقاد قرار دادیم و به اصلاح گرایش سازشکاری در کار نجات میهن آغاز کردیم .

در مناطق پارتیزانی جنوب - بخشی از دست آوردهای ما طی ده سال جنگ خونین بر ضد گومیندان و نقاط اتکاء استراتژیک جنگ انقلابی ملی ضد ژاپنی در استانهای جنوبی بوده و آنچه‌ان نیروئی هستند که گومیندان حتی پس از حادثه سی با سیاست عملیات "محاصره و سرکوب" در صدد نابود ساختن آنها برآمد و پس از حادثه لوگو چیائو با توسل به تاکتیک "برون کشیدن بیر از کوهسار" بتضعیف آنها همت گماشته است - ما توجه خود را روی مسایل زیر متمرکز ساخته‌ایم : الف - پرهیز از تمرکز بی‌قید و شرط قوا (چنین تمرکزی به کام گومیندان خواهد بود که میخواهد این نقاط اتکاء را براندازد) ، ب - نپذیرفتن اشخاص مأمور از جانب گومیندان ، ج - برحذر بودن از وقوع مجدد حادثه حه مین (یعنی خطر محاصره و خلع سلاح شدن بدست گومیندان) (۷) .

در صفحات هفته‌نامه « جیه فان جو کان » (۸) روش انتقادی جدی در پیش گرفتیم .

۲۲ - برای اینکه جنگ مقاومت ادامه یابد و به پیروزی نهائی بیانجامد و جنگ مقاومت قسمی بجنگ مقاومت همگانی مبدل شود ، باید استوارانه از مشی جبهه متحد ملی ضد ژاپنی پیروی کنیم و باید جبهه متحد را توسعه و تحکیم بخشیم . هیچ نظریه‌ای که هدفش بر هم زدن جبهه متحد بین دو حزب - گومیندان و حزب کمونیست باشد ، مجاز نیست . ما باید همچنان به پیشگیری از روش درهای بسته " چپ " ادامه دهیم . ولی در عین حال باید اصل استقلال و عدم وابستگی را در کلیه امور مربوط به جبهه متحد اکیداً مراعات کنیم . جبهه متحد ما با گومیندان و گروه‌های

سیاسی دیگر بر اساس اجرای برنامه معینی قرار دارد . بدون این اساس هیچ جبهه متحد بوجود نمیآید و این همکاری باقدامی غیر اصولی و به مظهری از تسلیم طلبی تبدیل میشود . از اینجبهت تشریح ، اجرا و حفظ اصل " استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد " کلیدی است که جنگ انقلابی ملی ضد ژاپنی را به سوی پیروزی سوق میدهد .

۲۳ - هدف ما از این نحوه عمل چیست ؟ از يك طرف هدف ما عبارتست از حفظ مواضعی که بدست آورده‌ایم . مواضع مذکور مبداء استراتژیک ما بشمار میآید و از دست دادن آنها بمعنای از دست دادن همه چیز است . اما از طرف دیگر هدف ما که هدف عمده میباشد ، عبارتست از توسعه این مواضع و نیل بههدف مثبت ، یعنی : " بسیج توده‌های میلیونی خلق برای شرکت در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و برانداختن امپریالیسم ژاپن " . حفظ مواضع و توسعه مواضع از یکدیگر منفک نیست . در ماههای اخیر توده‌های جناح چپ خرده بورژوازی بتعداد روزافزون در زیر نفوذ ما متحد شده‌اند ، در اردوی گومیندان ، نیروهای نوظهور در حال رشدند ، مبارزه توده‌ای در شان سی رشد کرده است و سازمانهای حزبی در نقاط متعدد نیز گسترش یافته‌اند .

۲۴ - ولی ما باید بخوبی پی ببریم که نیروی سازمانی حزب در مقیاس سراسر کشور بطور کلی هنوز ضعیف است . نیروی توده‌ها نیز در مقیاس سراسر کشور خیلی ضعیف است ، توده‌های اصلی - کارگران و دهقانان هنوز متشکل نیستند . این امر از یکسو مربوط است به سیاست کنترل و ستم از جانب گومیندان و از سوی دیگر مربوط است به نقص کار ما و یا فقدان کامل کار ما . اینجاست ضعف اساسی حزب ما در جنگ کنونی انقلابی ملی ضد ژاپنی . اگر ما برفع آن نایل نیائیم ، غلبه بر امپریالیسم ژاپن غیر ممکن خواهد بود . برای نیل باین هدف باید اصل " استقلال و عدم وابستگی در

درون جبهه متحد" را بکار بست و بر تسلیم طلبی و یا سازشکاری فایق آمد .

در سراسر کشور ، با تسلیم طلبی ملی مبارزه کنیم

۲۵ - ما در بالا از تسلیم طلبی طبقاتی سخن گفتیم . این تسلیم طلبی پرولتاریا را به پاسخگوئی به رفرمیسم و ناپیگیری بورژوازی خواهد کشانید . اگر ما بر این گرایش غلبه نکنیم ، غیر ممکن است که جنگ انقلابی ملی ضد ژاپنی را با کامیابی از پیش ببریم ، غیر ممکن است جنگ مقاومت قسمی را به جنگ مقاومت همگانی مبدل سازیم ، غیر ممکن است که از میهن دفاع کنیم .

ولی يك تسلیم طلبی دیگر هم هست : تسلیم طلبی ملی که چین را بتأمین منافع امپریالیسم ژاپن خواهد کشانید ، چین را بصورت مستعمره ژاپن در خواهد آورد و کلیه چینیها را برده خواهد ساخت . امروزه این گرایش در جناح راست جبهه متحد ملی ضد ژاپنی تظاهر میکند .

۲۶ - جناح چپ جبهه متحد ملی ضد ژاپنی مرکب است از تودههای تحت رهبری حزب کمونیست مشتمل بر پرولتاریا ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری . وظیفه ماست تمام مساعی خود را در راه توسعه و تحکیم آن بکار ببریم . ایفاء وظیفه مذکور شرط اساسی است برای نوسازی گومیندان و دولت و ارتش ، تأسیس جمهوری دموکراتیک واحد ، تبدیل جنگ مقاومت قسمی به جنگ مقاومت همگانی و برانداختن امپریالیسم ژاپن .

۲۷ - جناح میانه جبهه متحد ملی ضد ژاپنی مرکب است از بورژوازی ملی و قشر فوقانی خرده بورژوازی . عناصری که روزنامههای بزرگ شانگهای سخنگوی آنها هستند ، اینک بچپ میگرایند (۹) ؛ بعضی از اعضاء انجمن فوسین شروع به تزلزل کرده و همچنین بعضی از اعضاء گروه CC در حال

تزلزل هستند (۱۰). ارتش‌های که در برابر ژاپن بمقاومت مشغول‌اند، درس‌های جدی گرفته و بعضی از آنها به نوسازی مبادرت جسته و یا در صدد این کار برآمده‌اند. وظیفه ماست که جناح میانه را بسوی پیشرفت و تغییر موضع رهنمون شویم.

۲۸ - جناح راست جبهه متحد ملی ضد ژاپنی مرکب است از مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ، جناح مذکور همانا کانون تسلیم طلبی ملی است. این اشخاص ناگزیر به تسلیم طلبی می‌گرایند، زیرا که از یکسو می‌ترسند جنگ اموالشان را ضایع گرداند و از سوی دیگر هراس دارند توده‌ها قیام کنند. عده زیادی از آنان هم اکنون خائن بملت‌اند، بسیاری از آنان به طرفداران ژاپن مبدل گردیده و یا حاضراند طرفدار ژاپن شوند، بسیاری دیگر در حال تزلزل‌اند، فقط عده اندکی از آنان بعلت‌های خاصی پایداری نشان می‌دهند. برخی از آنان عجزاً در جبهه متحد ملی شرکت دارند، ولی از روی اضطرار و آکراه. بطور کلی مدت زیادی نخواهد گذشت که این اشخاص خود را از جبهه متحد ملی ضد ژاپنی خواهند برید. در حال حاضر بسیاری از زیانکارترین عناصر از میان مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ به توطئه منشعب ساختن جبهه متحد ملی ضد ژاپنی مشغول‌اند. آنها "کارخانه دروغ‌سازی" هستند، دروغ‌هایی نظیر "شورش حزب کمونیست" و "عقب‌نشینی ارتش هشتم" روز بروز بیشتر خواهد شد. این وظیفه ماست که مصممانه با تسلیم طلبی ملی مبارزه برخیزیم و طی این مبارزه جناح چپ را توسعه و تحکیم بخشیم و جناح میانه را بسوی پیشرفت و تغییر موضع رهنمون شویم.

رابطه میان تسلیم‌طلبی طبقاتی و تسلیم‌طلبی ملی

۲۹ - در جنگ انقلابی ملی ضد ژاپنی تسلیم طلبی طبقاتی در واقع

نیروی ذخیره تسلیم طلبی ملی است و زیانمندترین گرایش است که به اردوگاه جناح راست کمک می‌رساند و جنگ را به شکست میکشاند. برای تأمین آزادی ملت چین و توده‌های زحمتکش و برای تقویت مبارزه علیه تسلیم طلبی ملی ما باید بعبارزه با گرایش تسلیم طلبی طبقاتی در درون حزب کمونیست و در صفوف پرولتاریا برخیزیم و این مبارزه را در تمام شئون کار خود گسترش دهیم.

یادداشتها

۱ - اشاره است به « قطعنامه در باره اوضاع کنونی و وظایف حزب » مصوب ۲۵ اوت ۱۹۳۷ در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین منعقد در لوه چوان واقع در شمال شنسی. اینک عین متن آن :

(۱) - تحریکات نظامی تجاوزکاران ژاپنی در لو گو چیانو و اشغال بی‌پن و تیانزین چیزی جز آغاز تعرض وسیع آنها به جنوب دیوار بزرگ نیست. آنها هم اکنون بسیج نظامی بمقیاس ملی شروع کرده‌اند. تبلیغات آنها مبنی بر اینکه « هیچ گونه تمایلی به وخیم ساختن اوضاع » ندارند چیز دیگری جز پرده دودی برای پوشاندن تعرض آنها نیست.

(۲) - دولت نانکن تحت فشار حملات تجاوزکاران ژاپنی و خشم مردم تصمیم بمقاومت میگیرد. متشکل ساختن دفاع ملی و مقاومت عملی در نقاط مختلف نیز آغاز شده است. جنگ پردامنه میان چین و ژاپن ناگزیر است. مقاومتی که در ۷ ژوئیه در لوگوچیانو بعمل آمد، آغاز جنگ مقاومت ملی چین است.

(۳) - وضع سیاسی چین از این پس بمرحله جدیدی وارد میشود، بمرحله جنگ مقاومت. مرحله تدارک جنگ مقاومت مدتی است که دیگر سپری گشته. در مرحله کنونی وظیفه مرکزی ما عبارتست از بسیج تمام نیروها برای کسب پیروزی در جنگ مقاومت. وظیفه تحصیل دموکراسی که در مرحله گذشته بعلت عدم تمایل گومیندان و بسیج ناقص توده‌های مردم عملی نشد، باید از این پس در

جریان مبارزه بخاطر پیروزی در جنگ مقاومت تحقق یابد .

(۴) - اختلافات و مناقشات ما با گومیندان و سایر گروه‌های سیاسی ضد ژاپنی در این مرحله جدید دیگر برسر آن نیست که آیا باید مقاومت کرد یا نه ، بلکه بر سر چگونگی نیل به پیروزی در جنگ مقاومت است .

(۵) - کلید پیروزی جنگ مقاومت در اینستکه جنگ مقاومتی را که آغاز گردیده بیک جنگ مقاومت همگانی تمام خلقی بدل کنیم . فقط از طریق این جنگ مقاومت است که پیروزی نهائی ممکن خواهد شد . برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن که اینک از طرف حزب ما پیشنهاد شده است ، راه مشخص نیل به پیروزی نهائی در جنگ مقاومت را نشان میدهد .

(۶) - در جنگ مقاومت کنونی خطر فوق‌العاده بزرگی نهفته است . خطر مذکور بطور عمده ناشی از آن است که گومیندان هنوز نمیخواهد قاطبه خلق را برای شرکت در جنگ مقاومت بسیج کند . و برعکس آنها عقیده دارند که جنگ مقاومت فقط مربوط بدولت است ، آنها همیشه از شرکت خلق در جنگ میهراسند و در هر فرصتی به محدود ساختن آن متوسل میشوند ، سر راه پیوند دولت و ارتش با توده‌ها سد ایجاد میکنند ، حقوق دموکراتیک را که برای مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن ضروری است ، بخلق نمیدهند و از اینکه دستگامهای سیاسی را طوری از پایه اصلاح کنند که دولت کنونی بصورت دولت دفاع ملی ، دولت قاطبه ملت در آید ، سر میپیچند . اینگونه جنگ مقاومت ممکن است به کامیابیهای قسمی برسد ، ولی مسلماً ممکن نیست به پیروزی نهائی بیانجامد . برعکس ، اینگونه جنگ مقاومت احتمالاً به شکست فاحشی منجر میگردد .

(۷) - اکنون در جنگ مقاومت هنوز ضعفهای جدی موجود است ، ممکن است در جریان بعدی آن یکسری ناکامیها و عقب‌نشینیها ، انشعابهای داخلی و خیانتها ، سازشهای موقتی و قسمی و امثال آن پدید آید . از اینجهت باید دریابیم که این جنگ جنگی طولانی و سخت خواهد بود . لیکن ما یقین داریم در سایه مجاهدتهای حزبمان و تمام خلق ، جنگ مقاومتی که اینک آغاز گردیده ، تمام موانع را مرتفع خواهد ساخت و به پیشرفت و تکامل خود ادامه خواهد داد . ما باید بر کلیه دشواریها فایز آئیم و در راه تحقق برنامه ده ماده‌ای پیشنهادی حزب ما که هدفش تأمین پیروزی جنگ مقاومت است ، مصممانه مبارزه کنیم .

ما باید با هر سیاست اشتباه‌آمیزی که مغایر این برنامه باشد و در عین حال با شکست‌طلبی ملی که زائیده بدبینی و ناامیدی است ، استوارانه بمبارزه برخیزیم .

(۸) - کمونیستها باید همراه با توده‌های مردم و نیروهای مسلح تحت رهبری حزب ما فعالانه در خطوط مقدم مبارزه قرار دارند ، خود را بصورت هسته مقاومت در مقیاس سراسر کشور در آورند و نهضت توده‌های ضد ژاپنی را با تمام قوا گسترش دهند . آنها نباید يك لحظه هم از تبلیغ کردن در میان توده‌ها ، سازمان دادن توده‌ها و مسلح ساختن توده‌ها غافل شوند و برای این کارها هیچ فرصتی را نباید فروگذارند . اگر ما بتوانیم واقعاً توده‌های میلیونی خلق را به جبهه متحد ملی جلب کنیم ، پیروزی ما در جنگ مقاومت ضد ژاپنی مسلم خواهد بود .

۲ - در اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی گومیندان و چانکایشک تحت فشار خلق وعده‌های زیادی دادند که باصلاحاتی گوناگون دست بزنند ، ولی بزودی وعده‌های خود را یکی پس از دیگری نقض کردند . "امکان" اینکه گومیندان به اصلاحات مورد آرزوی قاطبه خلق دست زند ، بصورت واقعیت در نیامد . همانطور که بعدها رفیق مائو سه دون در اثر خود « در باره دولت ائتلافی » اظهار داشت :

در آن زمان خلق سراسر کشور ، کمونیستها و احزاب دموکراتیک بدولت گومیندان امید فراوان داشتند ، عبارت دیگر ، توقع داشتند که در لحظه‌ای که ملت در معرض خطر است و شور و شوق توده‌ها در غلیان است ، گومیندان باصلاحات دموکراتیک دست بزنند و سه اصل انقلابی خلق دکتر سون یاتسن را عملی سازد . ولی این امید برآورده نشد .

۳ - دوره تعلیماتی لو شان ، دوره تعلیماتی بود که چانکایشک در لو شان از استان جیان سی ترتیب داد تا کارکنانی برای مدارج عالی و متوسط گومیندان و دولت وی تربیت شوند و کارکنان مذکور استخوان‌بندی رژیم ارتجاعی او را تشکیل دهند .

۴ - جان نای چی آنوقت بر آن بود که "باید کمتر تهییج کرد و بیشتر پیشنهاد داد" . ولی در واقع تحت شرایطی که گومیندان بستمکاری بر خلق مشغول بود ، اکتفا به "پیشنهاد دادن" به گومیندان بجائی نرسید . میبایست مستقیماً به تهییج توده‌ها پرداخت که بمبارزه علیه گومیندان برخیزند . وگرنه ادامه جنگ مقاومت و مبارزه با ارتجاع گومیندان غیرممکن میشد . از اینجهت نظریه جان نای چی اشتباه بود . بعداً وی تدریجاً به این اشتباه خود پی برد .

۵ - اشاره است به « طرح قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در

مسئله شرکت حزب کمونیست در دولت « مصوب ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۷ . اینک عین متن آن :

(۱) - اوضاع کنونی جنگ مقاومت بطور مبرم اقتضا دارد که دولت جبهه متحد ملی ضد ژاپنی که نماینده قاطبه ملت باشد ، بر سرکار آید ، زیرا که فقط چنین دولتی میتواند جنگ انقلابی ملی ضد ژاپنی را بطور مؤثر رهبری کند و بر امپریالیسم ژاپن پیروز گردد . حزب کمونیست برای شرکت در چنین دولتی آماده است ، یعنی حاضر است که مسئولیتهای اداری دولت را مستقیماً و رسماً بر عهده گیرد و نقش فعالی در آن ایفا کند . ولی چنین دولتی هنوز وجود ندارد ، و هنوز همان دولت دیکتاتوری حزب واحد یعنی گومیندان برقرار است .

(۲) - حزب کمونیست چین در دولت شرکت نخواهد کرد ، مگر آنکه وی از صورت دیکتاتوری حزب واحد یعنی گومیندان بصورت دولت جبهه متحد که نماینده قاطبه ملت باشد ، درآید ، یعنی الف - دولت گومیندان مضمون اساسی برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن را که حزب ما پیشنهاد کرده است ، بپذیرد و طبق آن برنامه‌ای برای دولت صادر کند ؛ ب - دولت گومیندان صداقت و پشتکار خود را در اجرای این برنامه در عمل از خود نشان دهد و در این زمینه به نتایج قابل توجهی برسد ؛ ج - دولت گومیندان قانونی بودن سازمانهای حزب کمونیست را برسمیت بشناسد و آزادی او را در بسیج کردن توده‌ها ، سازمان دادن توده‌ها و تربیت نمودن توده‌ها تضمین کند .

(۳) - تا زمانیکه کمیته مرکزی حزب به شرکت در دولت مرکزی تصمیم نگرفته است ، اعضای حزب کمونیست بطور کلی نباید در هیچیک از دولتهای محلی ، در هیچیک از شوراها و کمیته‌های اداری وابسته بیکی از ارگانهای اداری دولت مرکزی و دولتهای محلی وارد شوند . زیرا که این شرکت آنها موجب مبهم شدن سیمای کمونیستها خواهد شد ، باعث ادامه سلطه دیکتاتوری گومیندان خواهد گشت و به کوششی که در راه ایجاد دولت دموکراتیک واحد بعمل میآید ، زیان خواهد رسانید نه سود .

(۴) - ولی اعضای حزب کمونیست میتوانند در دولتهای محلی برخی از مناطق خاص شرکت جویند ، مثلاً در مناطق عملیات نظامی که مقامات دولتی سابق چون دیگر نمیتوانند مانند گذشته حکومت کنند ، حاضرند که سیاستهای

حزب کمونیست را بطور کلی بکار بندند ، حزب کمونیست آزادی فعالیت علنی دارد ، در آنجا شرکت حزب کمونیست در دولت در اوضاع حساس کنونی ، هم از نظر خلق وهم از نظر دولت بصورت ضرورت در آمده است . در مناطق اشغالی تجاوزکاران ژاپن ، حزب کمونیست بطریق اولی باید بمشابه سازمان‌دهنده دولت جبهه متحد ضد ژاپنی وارد عمل شود .

(۵) - پیش از آنکه حزب کمونیست رسماً وارد دولت شود ، اعضای حزب اصولاً مجازند که در ارگانهای نمایندگی مانند مجلس ملی سراسر کشور بمنظور بحث پیرامون قانون اساسی دموکراتیک و سیاست نجات میهن شرکت جویند . از اینجهت حزب کمونیست باید بکوشد که اعضای خود بچنین مجلسی انتخاب شوند ، از تریبون این مجلس برای تبلیغ سیاستهای حزب کمونیست بهره‌بردارند و از این راه بسیج خلق ، به سازمان دادن وی در گرد حزب کمونیست پردازند و ایجاد دولت دموکراتیک واحد را تسریع کنند .

(۶) - کمیته مرکزی و کمیته‌های محلی حزب کمونیست میتوانند براساس برنامه مشترک معین و برحسب اصل تساوی کامل حقوق با کمیته اجرایی مرکزی و کمیته‌های محلی گومیندان بایجاد سازمانهای جبهه متحد از قبیل کمیته‌های مختلط گوناگون (مثلاً انجمن انقلاب ملی ، کمیته‌های نهضت توده‌ای ، کمیته‌های بسیج در مناطق عملیات و غیره) پردازند ؛ حزب کمونیست باید توسط اینگونه اقدامات مشترک با گومیندان به همکاری دو حزب نائل شود .

(۷) - آنگاه که ارتش سرخ تغییر نام دهد وبصورت بخشی از ارتش انقلابی ملی درآید و ارگان حکومت سرخ بنام دولت منطقه خاص خوانده شود ، نمایندگان ارتش و حکومت مذکور که حالت قانونی پیدا میکنند ، میتوانند در کلیه سازمانهای نظامی و توده‌ای که در راه مقاومت در برابر ژاپن ونجات میهن فعالیت دارند ، شرکت جویند .

(۸) - ضرورت کامل دارد که رهبری مطلقاً مستقل حزب کمونیست در واحدهائی که منشاء آنها ارتش سرخ است ونیز در تمام گروههای پارتیزانی همچنان محفوظ بماند ؛ کمونیستها نباید کمترین تزلزلی در مورد این اصل بخود راه دهند .

۶ - اشاره است به نظریه برخی از رفقای حزبی که در آنموقع بر این عقیده بودند که سیستم قدرت سیاسی در مناطق پایگاهی انقلابی - کنفرانسهای نمایندگی

خلق ، باید بصورت سیستم پارلمانی دولتهای بورژوائی درآید .

۷ - وقتیکه ارتش سرخ مرکزی در اکتبر ۱۹۳۴ رهسپار شمال گردید ، دسته‌های پارتیزانی ارتش سرخ در چهارده منطقه از هشت استان جنوبی - جیان سی ، فوجیان ، گوان دون ، حو نان ، حوبه ، حه نان ، جه جیان وان هوی باقی ماندند و در شرایط بسیار دشوار بادامه جنگ پارتیزانی پرداختند . آنگاه که جنگ مقاومت ضد ژاپنی آغاز شد ، این دسته‌ها که طبق رهنمود کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بمذاکراتی با گومیندان بمنظور خاتمه جنگ داخلی دست زدند ، خودشان ارتش واحدی (یعنی ارتش چهارم جدید که بعداً در مناطق شمالی و جنوبی رودخانه یان تسه قاطعانه در برابر تجاوزکاران ژاپنی مقاومت کرد) تشکیل دادند و برای مقاومت علیه ژاپن بجبهه رفتند . ولی چانکایشک این مذاکرات را توطئه گرانه برای از بین بردن دسته‌های پارتیزانی مورد استفاده قرار داد . حه مین یکی از مسئولین پارتیزانها در یکی از مناطق پارتیزانی چهارده گانه یعنی منطقه مرزی فوجیان - گوان دون بود . از آنجا که حه مین در برابر توطئه چانکایشک هشیار نبود بیش از هزار نفر پارتیزانی که تحت فرماندهی او بودند ، پس از متمرکز شدنشان بوسیله گومیندان محاصره و خلع سلاح شدند .

۸ - هفته‌نامه « جیه فان جو کان » ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بود که در ۱۹۳۷ در پین ان تأسیس شد . در ۱۹۴۱ روزنامه « جیه فان ژیبائو » انتشار یافت ، بدین ترتیب این هفته‌نامه تعطیل گردید .

۹ - اشاره است به آن بخشی از بورژوازی ملی که روزنامه‌هایی نظیر « شن بائو » سخنگوی آن بودند .

۱۰ - انجمن فو سین و گروه CC دو سازمان فاشیستی گومیندان بودند که در رأس اولی چانکایشک و در رأس دومی چن لی فو قرار داشت ؛ سازمانهای مذکور از منافع الیگارش مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ نمایندگی میکردند ، ولی عمده کشیری از عناصر خرده بورژوائی را نیز بزور و یا حيله در آنها شرکت داده بودند . اعضای انجمن فو سین که در اینجا بآنها اشاره میشود ، بطور عمده افسران جزء و متوسط ارتش گومیندان وقت بودند . آن بخش از اعضای گروه CC که در اینجا بآن اشاره میشود ، اکثراً از اشخاصی تشکیل میشد که سر قدرت نبودند .

اعلان دولت منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و اداره پشت جبهه ارتش هشتم

(۱۵ مه ۱۹۳۸)

باین وسیله اعلام میشود : از حادثه لوگو چیانو باین طرف همه هموطنان
میهن پرست ما مصممانه بچنگ مقاومت پرداخته اند . افسران و سربازان در
جبهه خون خود را میریزند و جان خود را فدا میکنند . همه احزاب و گروههای
سیاسی صمیمانه متحد میشوند . مردم محافل مختلف مساعی خویش را بخاطر
نجات میهن بهم میپیوندند . این امر شاهراهی تابناک در برابر ملت چین
میگشاید و ضامن مطمئن پیروزی بر ژاپن است . هر هموطن ما باید از این
راه به پیش برود . ارتش و اهالی منطقه مرزی ما ، منطقه شنسی - گان سو -
نین سیا (۱) ، از رهبری دولت اطاعت میکنند و همه مساعی خود را در راه

این اعلان از طرف رفیق مائو تسه دون برای دولت منطقه مرزی شنسی - گان
سو - نین سیا و اداره پشت جبهه ارتش هشتم بمنظور مقابله با فعالیتهای خرابکارانه
دارودسته چانکایشک نوشته شده است . در آنزمان بزودی پس از برقراری همکاری میان
گومیندان و حزب کمونیست ، دارودسته چانکایشک برای خرابکاری در نیروهای انقلابی

امر نجات میهن مبذول میدارند . اعمال آنها عادلانه و شرافتمندانه است . مبارزه‌ای که فداکارانه و بدون احساس خستگی در پیش گرفته‌اند ، سخت و دشوار است . خلق سراسر کشور با هزار زبان آنها را میستایند . دولت منطقه مرزی ما و اداره پشت جبهه ارتش هشتم بنوبه خود توده‌های خلق را در سراسر منطقه تشویق خواهند کرد که به مساعی خویش ادامه دهند تا کار ما به پایان موفقیت‌آمیز بینجامد . نمیتوان اجازه داد که حتی يك نفر هم وظیفه خود را انجام ندهد ، حتی يك عمل هم بسود نجات میهن نباشد . ولی در ایام اخیر ثابت شده‌است که در سرزمین منطقه مرزی افرادی یافت میشوند که نسبت به منافع عمومی بی‌اعتنائی نشان میدهند ، بشیوه‌های مختلف ، یا دهقانان را به مسترد داشتن زمین‌ها و خانه‌های دریافتی از تقسیم ارضی مجبور میکنند ، یا اشخاص مدیون را به پرداخت وام‌هایی که ملغی شده‌است وادار میسازند (۲) ، یا اهالی را مکلف میگردانند که رژیم دموکراتیک را که برقرار شده است ، تغییر بدهند و یا سازمانهای نظامی ، اقتصادی ، فرهنگی و توده‌ای موجود را بهم میزنند . برخی از آنها حتی به جاسوسی میپردازند ، با راهزنان ارتباط میگیرند ، ارتش را به شورش برمیانگیزند ، از منطقه نقشه‌برداری میکنند ، مخفیانه اخبار جمع میکنند و علناً به تهییج بر علیه دولت منطقه مرزی دست میزنند . چنین اعمالی اصل اساسی وحدت بخاطر مقاومت در برابر ژاپن را آشکارا نقض میکنند ، با اراده اهالی منطقه مرزی منافات

تحت رهبری حزب کمونیست توتکه چینی کردند . خرابکاری در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا جزئی از این توطئه بود . رفیق مائو تسه دون بر آن بود که باید بخاطر دفاع از منافع انقلاب موضع قاطعی اتخاذ کرد . اعلان حاضر ضربه‌ای بود بر موضع اپورتونیستی بخشی از رفقای حزبی که در آنموقع در درون جبهه متحد ضد ژاپنی در برابر فعالیتهای توطئه‌گرانه دارودسته چانکایشک چنین موضعی داشتند .

دارد و کوششی است برای برانگیختن تفاق‌های داخلی ، بهم زدن جبهه متحد ، زیان رساندن به منافع خلق ، از بین بردن نفوذ و اعتبار دولت منطقه مرزی و افزودن دشواری‌ها در بسیج نیروها بخاطر جنگ مقاومت ضد ژاپنی . همه اینکارها بدان علت انجام میگیرد که مستی سرسختان که برایشان نه منافع ملت وجود دارد ، نه منافع کشور ، بطور لجام گسیخته به فعالیت‌های ناپاک خویش دست میزنند . حتی برخی از آنان آلت دست راهزنان ژاپنی شده و در زیر نقابهای گوناگون به اعمال توطئه‌گرانه میپردازند . در ماه‌های اخیر از اهالی شهرستانهای مختلف پشت سر هم گزارشهایی میرسد که در آن تقاضا میشود که باین گونه عملیات خاتمه داده شود ؛ ارگانهای دولتی و اداره پشت جبهه یکباره در این تقاضاها غرق شده‌اند . دولت منطقه مرزی و اداره پشت جبهه بمنظور تقویت نیروهای ضد ژاپنی و تحکیم پشت جبهه و حفظ منافع اهالی مجبورند تدابیری برای قطع عملیات مذکور اتخاذ کنند . بنابراین فوق بروشنی اعلام میکنیم :

۱ - دولت منطقه مرزی و اداره پشت جبهه برای حفظ دست‌آوردهای خلق ، هر گونه تغییر خودسرانه را در مورد زمینها و خانه‌های قبلاً تقسیم شده و در مورد وامهای ملغی شده در جاهائی که در زمان برقراری صلح داخلی کشور در قلمرو دولت منطقه مرزی بوده است قدغن میکنند .

۲ - دولت منطقه مرزی و اداره پشت جبهه فعالیت‌های کلیه سازمانهای نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، و سایر سازمانهای توده‌ای را که قبل از زمان برقراری صلح داخلی کشور تشکیل گردیده و سپس بر اساس اصول جبهه متحد ملی ضد ژاپنی تکامل و بسط و توسعه یافته است ، تحت حمایت میگیرند ، برشد آنها کمک می‌رسانند و از کلیه عملیات توطئه‌گرانه و خرابکارانه بر علیه آنها جلوگیری میکنند .

۳ - دولت منطقه مرزی و اداره پشت جبهه که « برنامه جنگ مقاومت و ساختمان کشور » را مصممانه عملی میگردانند ، حاضرند با هر اقدامی که برای مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن مفید باشد همکاری کنند و بدون استثناء از شخصیت‌های محافل مختلف که بخواهند با حسن نیت بما کمک برسانند ، استقبال خواهند کرد . ولی برای آنکه از رخنه عناصر نقابدار ، جنایتکاران و فتنه‌انگیزان جلوگیری بعمل آید ، ورود کلیه کسانی که برای اقامت و فعالیت از خارج به منطقه مرزی می‌آیند ، صرفنظر از نوع فعالیت آنها قدغن میگردد ، مگر آنکه با موافقت دولت منطقه مرزی و یا اداره پشت جبهه باشد ، موافقتی که بوسیله اسناد لازم تأیید شود .

۴ - در این دوره پرتشنج جنگ مقاومت ، اهالی اجازه دارند در باره کلیه عناصری که در منطقه مرزی بعملیات توطئه‌گرانه و خرابکارانه ، یا به ایجاد مغرضانه بینظمی میپردازند ، یا به تحریکات و بجاسوسی جنگی دست میزنند ، گزارش دهند . اجازه داده میشود که اشخاصی که علیه آنها اسناد مطمئن وجود دارد ، در محل دستگیر شوند . پس از آنکه تعقیب به اثبات جنایت انجامید ، باید مجرمان را بدون کمترین تخفیفی فوراً بمجازات رسانید .

همه نظامیان ارتش و همه اهالی منطقه مرزی بدون استثناء باید چهار ماده فوق را پیوسته مراعات نمایند و نباید از آن تخلف کنند . از این پس اگر عناصر قانون شکن به فعالیت توطئه‌گرانه و خرابکارانه جرأت یابند ، تصمیمات شدیدی از طرف دولت منطقه مرزی و اداره پشت جبهه در مورد آنها اخذ خواهد شد و هیچگونه عذر بی‌خبری از اعلان حاضر مورد قبول قرار نخواهد گرفت . اعلان حاضر باید اکیداً مراعات شود .

یادداشتها

۱ - منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا در آغاز عبارت بود از پایگاه انقلابی که پس از ۱۹۳۱ در طی جنگ انقلابی پارتیزانی در شمال شنسی بتدریج بوجود آمد. وقتیکه ارتش سرخ مرکزی پس از راه پیمائی طولانی به شمال شنسی رسید، این منطقه بصورت پایگاه مرکزی انقلاب و مقر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درآمد. پس از آنکه در ۱۹۳۷ جبهه متحد ملی ضد ژاپنی تشکیل شد، منطقه مذکور به منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا تغییر نام یافت و بیش از بیست شهرستان واقع در محل تلاقی استانهای شنسی، گان سو و نین سیا جزو این منطقه بود.

۲ - در قسمت اعظم سرزمین منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا سیاست مصادره زمینهای مالکان ارضی و تقسیم این زمینها بین دهقانان و همچنین الغاء وامهای دهقانان در پیش گرفته شده بود. پس از ۱۹۳۶ حزب کمونیست چین بخاطر ایجاد جبهه وسیع متحد ملی ضد ژاپنی در سراسر کشور سیاست تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود را بجای سیاست مصادره زمینهای مالکان ارضی نشانید، ولی در عین حال از ثمراتیکه قبلاً در اصلاحات ارضی بدست دهقانان رسیده بود، مصممانه دفاع کرد.

مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی

(۱۹۳۸ م)

فصل اول

چرا مسئله استراتژی در جنگ پارتیزانی مطرح میشود ؟

در جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، جنگ منظم عمده و جنگ پارتیزانی
کمی است . این مسئله را دیگر بطور صحیح حل کرده ایم . از اینجهت
چنین بنظر میرسد که در جنگ پارتیزانی فقط مسایل تاکتیکی موجودند .
پس چرا مسئله استراتژی را مطرح میکنیم ؟
چنانچه چین کشور کوچکی میباشد که در آن نقش جنگ پارتیزانی فقط
به پشتیبانی مستقیم از عملیات اپراتیو ارتش منظم — آنها هم از فاصله نزدیک —

در اوایل جنگ مقاومت ضد ژاپنی عده زیادی در داخل و خارج حزب به نقش
مهم استراتژیک جنگ پارتیزانی کم بها میدادند و تمام امید خود را فقط به جنگ منظم
و بویژه به عملیات ارتش گومیندان می بستند . رفیق مائو سه دون این نظریه را رد نمود

منحصر می‌شود ، بدیهی است که آنوقت تنها مسایل تاکتیکی وجود می‌داشتند ، نه مسایل استراتژیک . از سوی دیگر اگر چین همانند اتحاد شوروی کشور نیرومندی میبود که میشد دشمن مهاجم بسرعت بیرون رانده شود و یا در صورتیکه دفعش بطول میانجامید ، نمیتوانست مناطق وسیعی را اشغال کند ، آنگاه جنگ پارتیزانی باز فقط در عملیات ابراتیو نقش پشتیبان را می‌داشت و طبعاً تنها مسایل تاکتیکی را دربر میگرفت و نه مسایل استراتژیک را .

مسایل استراتژیک در جنگ پارتیزانی در چنین شرایطی مطرح میشوند که چین نه کشوری کوچک و نه مثل اتحاد شوروی است ، بلکه کشوری بزرگ ولی ضعیف میباشد . این کشور بزرگ و ضعیف مورد تهاجم کشوری کوچک ولی نیرومند قرار گرفته است و در عین حال این کشور بزرگ و ضعیف دوران ترقی و تعالی را میپوید - اینست کنه تمام مطلب . و درست در چنین شرایطی است که مناطق وسیعی تحت اشغال دشمن درآمده و جنگ به جنگی طولانی بدل گشته است . دشمن مناطق وسیعی از خاک پهناور کشور را تصرف کرده است ، ولی ژاپن کشور کوچکی است و قوای نظامی کافی ندارد اختیار ندارد و مجبور است بسیاری از نقاط مناطق اشغالی را خالی بگذارد بدین سبب جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی بطور عمده نه از عملیات خطوط داخلی برای پشتیبانی از عملیات ابراتیو ارتش منظم ، بلکه از عملیات مستقل در خطوط خارجی تشکیل میشود ؛ بعلاوه از آنجا که چین دوران ترقی و تعالی را میپوید ، بسخن دیگر ، از آنجا که چین دارای ارتشی نیرومند و توده‌های

و اثر حاضر را نگاشت تا راه صحیح بسط و توسعه جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی را نشان دهد در نتیجه ، در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که تعداد نفراتشان در سال ۱۹۳۷ ، فقط کمی بیشتر از چهل هزار نفر میشد ، در سال ۱۹۴۵ که مصادف با تسلیم ژاپن بود ، بیک ارتش بزرگ يك ميليون نفری بسط و توسعه یافتند ، مناطق پایگاهی انقلابی بیشماری بوجود آوردند و نقش مهمی در جنگ

وسیع خلقی است که هر دو تحت رهبری حزب کمونیست قرار دارند ، لذا جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی ما بهیچوجه جنگی در مقیاس کوچک نیست ، بلکه جنگی است پرمایه ؛ و درست از همینجاست که يك مری مسایل ، مانند دفاع استراتژیک ، تعرض استراتژیک وغيره ناشی میشود . طولانی بودن جنگ و سختی‌ایکه همراه دارد ، در برابر جنگ پارتیزانی وظایف متعدد خارق‌العاده‌ای را قرار میدهد ، و از اینجاست که مسایلی از قبیل مسایل مربوط به مناطق پایگاهی و تکامل جنگ پارتیزانی به جنگ متحرک وغيره مطرح میشوند . بدین دلایل جنگ پارتیزانی چین علیه ژاپن از مرزهای تاکتیک گذشته و به قلمرو استراتژی وارد میشود و بررسی مسایل جنگ پارتیزانی را از دیدگاه استراتژی طلب میکند . نکته شایان توجه خاص اینستکه یکچنین جنگ پارتیزانی پرمایه و طولانی در سراسر تاریخ جنگهای بشر پدیده‌ای است کاملاً نوین . این امر باین حقیقت مربوط است که ما اکنون در دهه سوم و چهارم قرن بیستم بسر میبریم و دارای حزب کمونیست و ارتش سرخ هستیم و هسته اصلی تمام مسایل در همینجا نهفته‌است . دشمن ما احتمالاً هنوز در این خیال واهی است که میتواند از غلبه سلسله یوان بر سلسله سون ، از غلبه سلسله تسین بر سلسله مین ، از اشغال آمریکای شمالی و هندوستان توسط انگلستان و از اشغال آمریکای مرکزی و جنوبی از طرف کشورهای لاتینی اروپا تقلید کند . ولی در چین امروزی اینگونه رؤیاهای دیگر ارزش عملی خود را از دست داده‌اند ، زیرا در چین امروزی عواملی موجودند که

مقاومت ضد ژاپنی ایفا نمودند ؛ و بدینجهت بود که چانکایشک در تمام طول این دوره جرات نکرد در مقابل ژاپنیها تسلیم شود و یا جنگ داخلی را در مقیاس سراسر کشور برپا کند . در سال ۱۹۴۶ ، هنگامیکه چانکایشک جنگ داخلی را در سراسر کشور برپا ساخت ، ارتش آزادیبخش توده‌ای که از ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید تشکیل میگردد ، باندازه کافی نیرومند شده بود که بتواند حملات چانکایشک را دفع کند .

در نمونه‌های تاریخی فوق‌الذکر وجود نداشتند ، و یکی از این عوامل جنگ پارتیزانی است که پدیده کاملاً نوینی میباشد . اگر دشمن ما این حقیقت را نادیده بگیرد ، قطعاً سخت در این مورد با ناکامی روبرو خواهد شد .

اینها همه دلایلی هستند بر اینکه جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی — باوجود اینکه در مجموع جنگ مقاومت ضد ژاپنی فقط دارای نقش کمکی است — باید از دیدگاه استراتژی مورد بررسی قرار گیرد .

پس ، چرا نمیتوان اصول عام استراتژیک جنگ مقاومت ضد ژاپنی را در جنگ پارتیزانی بکار بست ؟

در واقع مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی با مسایل استراتژی در مجموعه جنگ مقاومت ضد ژاپنی پیوند فشرده دارد ، یعنی آنها دارای وجوه مشترك فراوانند . ولی جنگ پارتیزانی با جنگ منظم فرق میکند و دارای ویژگیهای خود است و ازاینروست که در مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی عناصر ویژه متعددی موجودند ؛ اصول عام استراتژیک جنگ مقاومت ضد ژاپنی را بهیچوجه نمیتوان بدون تغییر در مورد جنگ پارتیزانی که دارای ویژگیهای خود است ، بکار بست .

فصل دوم

اصل اساسی جنگ عبارتست از

حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن

قبل از بحث مشخص در باره مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی ، ضرور میدانم چند کلمه‌ای در باره مسئله اساسی جنگ صحبت کنم .

کلیه اصولی که عملیات نظامی را هدایت میکنند، از يك اصل اساسی ناشی میشوند: کوشش هر چه بیشتر در حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن. این اصل در جنگ انقلابی با اصل اساسی سیاسی پیوند مستقیم دارد. فی‌المثل اصل اساسی سیاسی جنگ مقاومت ضد ژاپنی چین، یعنی هدف سیاسی این جنگ عبارتست از بیرون راندن امپریالیسم ژاپن و بنا کردن چین نوین، مستقل، آزاد و سعادتمند. این اصل در مفهوم نظامی بمعنای استفاده از قوای مسلح برای دفاع از میهن و بیرون راندن مهاجمین ژاپنی است. بمنظور نیل باین هدف واحدهای مسلح در عملیات نظامی خود باید حتی المقدور یکپوشند تا از یکطرف نیروهای خودی را حفظ کنند و از طرف دیگر نیروهای دشمن را نابود سازند. ولی چگونه میتوان تشویق به جانبازی قهرمانانه در جنگ را توجیه کرد؟ در هر جنگ باید بهائی پرداخت و حتی گاهی بهائی بسیار گزاف؛ آیا این با اصل "حفظ نیروهای خودی" در تضاد نیست؟ در واقع خیر. دقیقتر اینکه جانبازی و حفظ نیروهای خودی در عین اینکه ضد یکدیگرند، وحدت نیز تشکیل میدهند. زیرا اینگونه جانبازی نه فقط برای نابودی دشمن، بلکه برای حفظ نیروهای خودی نیز ضرور است - "حفظ نکردن نیروهای خودی" (فداکاری یا پرداختن بها) بطور قسمی و موقتی بخاطر حفظ عمومی و دائمی نیروهای خودی لازم است. از این اصل اساسی یکسری اصولی مشتق میشوند که کلیه عملیات نظامی را هدایت میکنند؛ همه اینها - یعنی از اصول تیراندازی گرفته (استتار برای حفظ نیروهای خودی و استفاده حداکثر از قدرت آتش برای نابودی نیروهای دشمن) تا اصول استراتژی - از روح این اصل اساسی جان میگیرند. تمام اصول فنی و اصولی که مربوط به تاکتیک، عملیات اپراتیو و استراتژی میشوند، ضامن تحقق این اصل اساسی هستند. اصل حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای

دشمن پایه و اساس تمام اصول نظامی است .

فصل سوم

شش مسئله مشخص استراتژی

در جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی

اینک ببینیم در عملیات نظامی جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی ، بمنظور نیل به هدف حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن چه رهنمودها یا اصولی باید اتخاذ شوند ؟ از آنجا که واحدهای پارتیزانی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی (و حتی در تمام جنگهای انقلابی دیگر) معمولاً از نیستی به هستی و از کوچک به بزرگ رشد مییابند ، لذا علاوه بر حفظ نیروهای خودی باید خود را نیز بسط و توسعه دهند . حال این سؤال مطرح میشود که رهنمودها یا اصولی که باید بمنظور نیل به هدف حفظ و بسط نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن اتخاذ گردند ، کدامند ؟ بطور کلی اصول عمده از اینقرارند :

- ۱ - ابتکار عمل ، نرمش و نقشه کشی در عملیات تعرضی در جریان جنگ تدافعی ، در عملیات زودفرجام در جریان جنگ طولانی و در عملیات خطوط خارجی در جریان عملیات خطوط داخلی
- ۲ - همسوئی با جنگ منظم ؛
- ۳ - ایجاد مناطق پایگاهی ؛
- ۴ - دفاع استراتژیک و تعرض استراتژیک ؛
- ۵ - تکامل جنگ پارتیزانی به جنگ متحرک ؛

۶ - مناسبات صحیح در امر فرماندهی .

این شش ماده که تمام برنامه استراتژیک جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی را تشکیل میدهند ، وسایل و طرقی هستند که برای حفظ و توسعه نیروهای خودی و نابودی و دفع نیروهای دشمن و همچنین برای همسوئی با جنگ منظم و کسب پیروزی نهائی ضرور میباشند .

فصل چهارم

ابتکار عمل ، نریش و نقشه کشی

در عملیات تعرضی در جریان جنگ تدافعی ،

در عملیات زودفرجام در جریان جنگ طولانی ،

و در عملیات خطوط خارجی

در جریان عملیات خطوط داخلی

در اینجا موضوع را میتوان به چهار بخش تقسیم کرد : اول - رابطه میان دفاع و تعرض ، رابطه میان عملیات طولانی و عملیات زودفرجام ، و رابطه میان خطوط داخلی و خطوط خارجی ؛ دوم - ابتکار عمل در کلیه عملیات ؛ سوم - استفاده از قوای نظامی بطور نریش پذیر ؛ چهارم - نقشه کشی در کلیه عملیات .

ما بحث خود را از مسئله اول شروع میکنیم .

هرگاه مجموع جنگ مقاومت ضد ژاپنی را در نظر بگیریم ، این واقعیت که ژاپن کشوری است نیرومند و در حال تعرض و چین کشوری است ضعیف و در حال دفاع ، جنگ ما را از نظر استراتژیک جنگی تدافعی و طولانی

میسازد . درباره خطوط عملیات باید گفت که دشمن در خطوط خارجی عمل میکند و ما در خطوط داخلی . این یکطرف قضیه است . اما طرف دیگر قضیه درست عکس این است . نیروهای دشمن علیرغم قدرت (از لحاظ تسلیحات ، تعلیمات و بعضی عوامل دیگر) ، از نظر تعداد ضعیفند ، در صورتیکه نیروهای ما علیرغم ضعف (همچنین تنها از لحاظ تسلیحات ، تعلیمات و بعضی عوامل دیگر) ، از نظر تعداد بسیار قوی میباشند ؛ و اگر این حقیقت را بدان اضافه کنیم که دشمن بیگانه‌ای است که به کشور ما تجاوز کرده و ما در برابر تهاجم این دشمن در خاک خود مقاومت میکنیم ، رهنمود استراتژیک زیر نتیجه میشود : اقدام به تعرضات اپراتیو و تاکتیکی در چارچوب دفاع استراتژیک ، اقدام به عملیات اپراتیو و تاکتیکی زودفرجام در چارچوب استراتژی جنگ طولانی ، و اقدام به عملیات اپراتیو و تاکتیکی خطوط خارجی در چارچوب استراتژی خطوط داخلی نه تنها ممکن ، بلکه ضرور است . چنین است رهنمود استراتژیکی که باید در سراسر جنگ مقاومت ضد ژاپنی اتخاذ گردد . این رهنمود استراتژیک هم در جنگ منظم صادق است و هم در جنگ پارتیزانی . یگانه وجه تمایز جنگ پارتیزانی در درجه و شکل اجراء آنست . در جنگ پارتیزانی تعرض معمولاً بشکل حملات غافلگیرانه صورت میگیرد . هر چند که در جنگ منظم نیز از حملات غافلگیرانه میتوان و باید استفاده کرد ، ولی درجه غافلگیری آن کمتر است . در جنگ پارتیزانی نیاز به عملیات زودفرجام بسیار زیاد است و حلقه‌ایکه ما در خطوط خارجی طی عملیات اپراتیو و تاکتیکی دشمن را در آن محاصره میکنیم ، باید بسیار تنگ باشد . اینها همه مواردی هستند که جنگ پارتیزانی را از جنگ منظم متمایز میسازند .

بنابر این ملاحظه میشود که واحدهای پارتیزانی در عملیات خود باید

حداکثر نیروهای خویش را متمرکز سازند ، مخفیانه و برق‌آسا عمل کنند ، غافلگیرانه بر دشمن هجوم برده و سریع به نبرد پایان بخشند ؛ باید از دفاع غیر فعال ، دفع الوقت و پخش نیروها قبل از ورود به نبرد حتماً اجتناب ورزند . بدیهی است که جنگ پارتیزانی فقط دفاع استراتژیک را دربر نمیگیرد ، بلکه شامل دفاع تاکتیکی نیز میشود ؛ دفاع تاکتیکی در جنگ پارتیزانی عبارتست از تثبیت دشمن و مأموریت پاسداری در طول نبردها ؛ آرایش قوا برای مقاومت در گردنه‌ها ، در نقاط صعب‌الوصول و در کنار رودخانه‌ها یا دهات بمنظور تضعیف و فرسودن دشمن ؛ و عملیات پوششی در هنگام عقب‌نشینی و غیره . معذک رهنمود اساسی جنگ پارتیزانی باید تعرض باشد ؛ جنگ پارتیزانی خصلتاً از جنگ منظم تعرضی تر است . بعلاوه ، این نوع تعرض باید شکل غافلگیرانه را بخود بگیرد ، و در جنگ پارتیزانی خود را با بوق و کرنا نشان دادن حتی از جنگ منظم هم کمتر جایزاست . گرچه در بعضی موارد ممکن است نبردهای پارتیزانی چند روز بطول انجامند - مانند یورش بیک دسته کوچک و منفرد دشمن که راه هرگونه کمکی از خارج بر او بسته است - ولی از آنجا که دشمن قوی است و ما ضعیف هستیم ، چنین ایجاب میشود که فرجام نبردها در جنگ پارتیزانی باید علی‌العموم سریعتر از نبردهای جنگ منظم تعیین شود . چون جنگ پارتیزانی دارای خصلت تمرکز ناپذیری است ، لذا در همه جا میتواند گسترش یابد و در اجرای بسیاری از وظایف مانند عملیات ایدائی ، عملیات تشبیتی ، عملیات تخریبی و همچنین کار توده‌ای باید از اصل پخش نیروها پیروی کند ؛ اما یک واحد یا فرماسیون پارتیزانی هنگامیکه وظیفه نابود ساختن دشمن را برعهده میگیرد و یا بخصوص وقتیکه بکوشد حمله دشمن را دفع کند ، باید نیروهای عمده خود را متمرکز سازد . ” تمرکز نیروی بزرگ برای ضربه زدن به نیروی کوچک دشمن “